

به کودکان اعتماد کنیم
مبانی روانشناسی رشد شناختی
در برنامه فلسفه برای کودکان

مهرنوش هدایتی

دکترای تخصصی مشاوره و روان شناسی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشگر دکتری حکمت معاصر
گروه فلسفه برای کودکان و نوجوانان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۳

سرشناسه: هدایتی، مهرنوش، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور: به کودکان اعتماد کنیم: مبانی روانشناسی رشد شناختی در برنامه فلسفه برای
کودکان/مهرنوش هدایتی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۴۳۲ ص.

شابک: 978-964-426-717-8

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: کودکان و فلسفه

موضوع: تفکر انتقادی در کودکان

موضوع: شناخت در کودکان

موضوع: کودکان — روان‌شناسی

موضوع: روان‌شناسی رشد

شناخته افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۰۵۱۳۹۲B۱۰۵ ۴۹۸/۵

رده بندی دیویی: ۱۰۸/۳۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۸۷۰۹۸



به کودکان اعتماد کنیم

مبانی روانشناسی رشد شناختی در برنامه فلسفه برای کودکان

مؤلف: مهرنوش هدایتی

ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیر نشر: ناصر زعفرانی

ناظر چاپ: وحید اسماعیلی‌زاده

آماده سازی: عرفان سلیمانی

صفحه‌آرا: مهدی یگانه

جلد: فرزانه صادقیان

چاپ اول: ۱۳۹۲

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: الف‌دیر

ردیف انتشار: ۵۹-۹۲

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است

ISBN 978-964-426-717-8

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۷۱۷-۸

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱-۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

فهرست مطالب

۱۷.....	سخن آغازین.....
۲۲.....	بخش اول: روانشناسی رشد شناختی.....
۲۴.....	مفهوم روانشناسی رشد شناختی.....
۲۶.....	مفهوم روانشناسی.....
۲۶.....	مفهوم رشد.....
۲۸.....	مفهوم شناخت.....
۲۸.....	روان شناسی.....
۲۹.....	ویژگیهای رشد روانشناسی.....
۳۰.....	روان شناسی شناختی.....
۳۰.....	روان شناسی رشد شناختی.....
۳۰.....	ویژگی های نظریات روانشناسی رشد شناختی.....
۳۶.....	طبقه بندی نظریه های رشد.....
۳۶.....	گستره تاریخی مطالعات پیرامون تغییرات شناختی انسان در کودکی.....
۴۰.....	اولین بارقه های علمی.....
۴۳.....	نهضت های علمی روانشناسی شناختی.....
۵۳.....	نظریه های روانکاوانه رشد کودک.....
۵۴.....	دیدگاه رشد روانی - جنسی فروید.....
۵۴.....	مراحل رشد روانی از دیدگاه فروید.....
۵۵.....	مرحله دهانی: از تولد تا پایان یک سالگی.....
۵۵.....	مرحله مقعدی: از ابتدای دو سالگی تا پایان سه سالگی.....
۵۶.....	مرحله آلتی: از ابتدای چهار سالگی تا ۶ سالگی.....
۵۷.....	دوره نهفتگی: از ۷ تا ۱۱ سالگی.....
۵۸.....	مرحله تناسلی: از ۱۲ سالگی به بعد.....

۵۸	نقد نظریه روانکاوی فروید
۵۹	نظریه روان شناسی فردی آدلر
۶۱	نظریه روانکاوی کارن هورنای
۶۴	نظریه انسان گرایی دیالکتیک اریک فروم
۶۵	نظریه روانی اجتماعی اریک اریکسون
۶۸	مرحله ۱ رشد روانی-اجتماعی: اعتماد در برابر بی اعتمادی
۶۹	مرحله ۲ رشد روانی-اجتماعی: خودگردانی و تکیه به نفس در برابر شرم و شک
۶۹	مرحله ۳ رشد روانی-اجتماعی: ابتکار در برابر گناه
۷۰	مرحله ۴ رشد روانی-اجتماعی: کوشایی در برابر حقارت
۷۱	مرحله ۵ رشد روانی-اجتماعی: هویت در برابر گم گشتگی
۷۱	مرحله ۶ رشد روانی-اجتماعی: تعلق در برابر انزوا
۷۱	مرحله ۷ رشد روانی-اجتماعی: زاینده گی در برابر رکود
۷۲	مرحله ۸ رشد روانی-اجتماعی: یکپارچگی در برابر ناامیدی
۷۴	نظریه های یادگیری شناختی در کودکی
۷۴	نظریه یادگیری تشابه جرج ملر و نرتون
۷۵	تاکید بر فرایند یادگیری
۷۶	تاکید بر ساخت یادگیری
۷۶	تاکید بر اهمیت شهود
۷۶	تاکید بر اهمیت انگیزش درونی
۷۷	مراحل رشد شناختی
۷۷	۱- مرحله حرکتی یا عملی
۷۷	۲- مرحله تصویری یا شمایی
۷۸	۳- مرحله نمادی
۸۱	نظریه یادگیری اجتماعی بندورا
۸۴	نظریه های رشد شناختی کودک
۸۴	نظریه تحولی والن
۸۵	اصول نظام والن
۸۶	مراحل تحول روانی
۸۶	مرحله اول: درون رحمی (دوران جنینی)
۸۷	مرحله دوم: از بدو تولد تا ۳ سالگی

۸۸	مرحله سوم: شخصیت‌گرایی (۳ تا ۶ سالگی)
۸۹	مرحله چهارم: فکر مقوله‌ای (۶ تا ۱۱ سالگی)
۹۰	مرحله پنجم: بلوغ (نوجوانی)
۹۱	نظریه اجتماعی - فرهنگی ویگوتسکی
۹۷	تفکر و زبان
۹۹	خودگردانی
۹۹	منطقه مجاور رشد
۱۰۱	سکوسازی (داربست زدن)
۱۰۷	نظریه پرم ان پس از ویگوتسکی
۱۱۰	نظریه رشد شناختی پیاژه
۱۱۷	مراحل رشد شناختی کودک از دیدگاه پیاژه
۱۱۷	مرحله اول: مرحله حس حرکتی
۱۱۸	مرحله دوم: مرحله پیش عملیاتی
۱۲۲	مرحله سوم: مرحله عملی عینی
۱۲۵	مرحله چهارم: مرحله پیش فرض (انتزاعی)
۱۲۵	ویژگی‌های نظریه پیاژه
۱۲۸	نقد نظریه پیاژه
۱۳۳	الگوهای رشد شناختی پس از پیاژه
۱۳۹	دیدگاه پردازش اطلاعات
۱۴۴	مراحل پردازش اطلاعات
۱۵۰	بخش دوم: تفکر و مراحل رشد آن از منظر اسلام
۱۵۱	مقدمه
۱۵۳	تفکر از منظر اسلام
۱۵۵	جایگاه تفکر از منظر قرآن
۱۶۰	جایگاه تفکر از منظر احادیث و روایات
۱۶۳	تفکر از منظر خلقت انسان و تربیت
۱۶۶	رابطه تفکر با ایمان و عبادت
۱۶۷	رشد تفکر از منظر اسلام

۱۷۴	رشد تفکر در اسلام از منظر تقابل عقل و نفس
۱۷۷	رشد تفکر در کودک از منظر روانشناسی اسلامی
۱۸۰	اهمیت تربیت عقلانی کودک
۱۸۲	عوامل پرورش دهنده اندیشه و تفکر از دیدگاه تربیت اسلامی
۱۸۴	اهمیت آموزش، در پرورش عقلانی
۱۸۴	تأکید بر آموزش فرزند در کودکی و نوجوانی
۱۸۶	قدرت غربالگری عقلانی
۱۸۶	بیدار کردن قوه ی نقادی در کودک
۱۸۷	عاقبت اندیشی
۱۸۷	آزاد کردن عقل از عادات اجتماعی
۱۸۸	پروژه‌ش روحه علمی
۱۸۸	استفاده از روایت قصه و داستان
۱۸۹	روش‌های در کودکان
۱۹۲	استفاده از مساجد
۱۹۲	پرورش تفکر انتزاعی
۱۹۳	استفاده از روش تشبیه
۱۹۳	استفاده از روش تمثیل
۱۹۳	رویکردها و اندیشه‌های تربیتی دانشمندان مسلمان
۱۹۹	نظریات دانشمندان مسلمان در باب روان‌شناسی رشد
۲۱۰	بخش سوم: برنامه فلسفه برای کودکان
۲۱۸	ظهور برنامه فلسفه برای کودکان
۲۲۸	معرفی الگوی لیمن
۲۳۳	اصول نظریه لیمن
۲۳۴	شیوه‌های تفکر در برنامه فلسفه برای کودکان
۲۳۶	اهداف برنامه «فلسفه برای کودکان»
۲۳۹	مهارت‌های فکری حاصل از برنامه «فلسفه برای کودکان»
۲۴۲	شیوه اجرای برنامه: حلقه کندوکاو فلسفی

۲۵۵	ابزار فلسفی برنامه: داستانهای فلسفی؟
۲۶۱	منافع برنامه «فلسفه برای کودکان»
۲۷۲	بخش چهارم: سؤالات و چالش‌های پیش روی برنامه فلسفه برای کودکان
۲۷۶	پشتوانه‌های نظری امکان فلسفه ورزی برای کودکان
۲۸۳	حس حیرت
۲۸۳	کنجکاوی فلسفی
۲۸۴	تردید منطقی
۳۲۴	پشتوانه‌های نظری پروژه اجرای برنامه «فلسفه برای کودکان»: حلقه کندوکاو
۳۵۲	پشتوانه‌های نظری استفاده از ابزار داستانی برای پرورش تفکر فلسفی
۳۷۷	پشتوانه‌های نظری اجرای مستمر این برنامه در نظام تعلیم و تربیت
۳۹۵	منابع

سخن آغازین

انسان سه راه دارد:

راه اول از اندیشه می گذرد،
این والاترین راه است.
راه دوم از تقلید می گذرد،
این آسان ترین راه است.
راه سوم از تجربه می گذرد،
این تلخ ترین راه است.

کنفوسیوس

دیر زمانی است که اندیشه و اندیشه ورزی همچون دو گانه انگاشته و نگاه داشته می شود. می گویم انگاشته می شود، چرا که هیچ انسانی در ارزش اندیشه و خردورزی دستایی به یک زندگی موفق تردید ندارد؛ و می گویم نگاه داشته می شود، چرا که با این موضوع ارزشمند هم، واقف محض مرواریدی گران بها که در موزه ای باستانی و در جعبه هایی پر قفل و مهر و موم شده، برخورد می شود و به سبب بیخ نقلی از ارزش فکرت، آنهم در حد کلامی شعار گونه و یا در قالب برنامه هایی جانی و لوکس در زندگی انسان خرد گیری نیست.

سالهای بسیاری است که نظام های تعلیم و تربیت در پی پرورش انسان هایی با استعداد برای ساخت جامعه ای بالنده هستند. اما تاریخ تربیت آدمی نشان داده است که نظام های تربیتی که در پی رشد انسان ها بوده اند صرفاً از آنها موجوداتی ظاهر ساز برای پنهان داشتن حالات طبیعی و فطری ساخته اند. کریمی (۱۹۸۰) دریافت عمیقی مابین «پرورش دادن» و «بار آوردن» اشاره می کند. وی معتقد است تربیت واقعی زمانی حادث می شود که بر فطریات و درونیات فرد تکیه داشته باشد، آنچنان که در پرورش دادن این طبیعت دستکاری نشود، ولی در بار آوردن، مریبان بیشتر بدنبال «اهلی کردن» و «دست آموز» نمودن متربی هستند، که این سبب دگرگونی هایی می شود که «دیگری» یا «دیگران» آن را هدف خود می شمردند و در پی آن هستند تا کودک را به سلیقه و مصلحت خود بار آورند. به عبارت دیگر در نظام فعلی تعلیم و تربیت که بیشتر به شکل بار آوردن است، به طبیعت کودک همچون بنیاد و اصلی که باید به آن اصالت داد نگریسته نمی شود، بلکه این اهداف دست ساخته بشر و اجتماع و تمدن و فرهنگ است که بشکل قالب ها و نسخه های از پیش آماده شده - بدون توجه به نیازهای فردی - اصل و اساس می شوند، و چه بسا ممکن است اهداف بشر و اجتماع فرهنگی اش به مرور زمان دستخوش بطلان شده باشد. به جرأت می توان گفت که همین



تعارض میان طبیعت درونی از یکسو و اجبار و تحمیل قواعد بیرونی از سوی دیگر، عامل شکست هر نظام آموزشی و پرورشی در دستیابی به اهداف عالیه اش می باشد.

شاید شکست در اجبار افراد بالغ به اندیشیدن و تأمل قبل از هر قضاوت، هر تصمیم و هر اقدامی، به ناگاه ذهن فیلسوف بزرگی همچون متیو لیپمن^۱ را متوجه نقص بزرگ تربیتی بشر در عصر حاضر نمود. این بدان معنا نیست که بیش از آن موضوع پرورش مهارت های فکری و یا ایجاد عادت به تفکر در کودکان هرگز مطرح نشده بود، کما اینکه همانگونه که خود لیپمن اذعان دارد، رویکرد اندیشمندانه او پشتوانه های بسیار دارد، اما شاید تا به حال این مهم، چنین محورانه و انقلابی، نظام آموزش را هدف قرار نداده باشد. سالهای بسیار بر اهمیت اندیشه و اندیشه ورزی تأکید می شد، لیکن روش و زمان مناسب آن غالباً با احتیاط به دوران بزرگسالی موکول می گردید. اما به وضوح می توان دید که غالب شکست خورد و کلان بشری، حاصل تلاشهای مایوسانه بالغین در بکارگیری قدرت داوری و استدلال، بعنوان دو باره ای اصلی تفکر است. بآس مکرری که منجر به قضاوت های سوگیرانه، تصمیم گیری های عجولانه، پذیرش های کورکورانه و رفتارهایی خودمحورانه می گردد. ما امروز شاهد آن هستیم که در لباس آدم بزرگ ها، وقتی قرار است صحیح نظر دهیم، اغلب از قیاس های ذهنی را فهرست کنیم و یا قوانین منطقی وضع کنیم، بگونه ای بسیار دقیق و روان همه را از بر هستیم، اما به ندرت کسی می بینیم، آن کار دیگر می کنیم!

فلاسفه و روانشناسان، این دوگانگی را به عادت نکرده به تفکر تأملی و ضعف قدرت استدلال در بزرگسالان می دانند، و در نتیجه متفکرانی همچون لیپمن به این روش افتادند که برای ساخت یک جامعه بالنده چاره ای نیست، جز آن که این عادت از دوران کودکی شکل بگیرد. این محققان دریافتند که حفظ طوطی وار ارزش ها و اخلاقیات و حتی دانش، بدون اینکه کودک این باورها را در ذهن خود با اندیشه های عمیق کاشته باشد، دلیلی است برای شعارهای بی عملی که از زنبوران بی عسل نسل حاضر تراوش می گردد.

دور از انتظار نبود که به محض طرح ایده مذکور، موجی از تردید در اذهان ایجاد شود: آیا این موجود ضعیف و ظریف، که تا کنون نادانی دوست داشتنی تلقی می شد و ما آدم بزرگ های مهربان و همه چیز دان، انواع خوراک های فکری از پیش پخته و جویده شده را به انواع ترفند به خورد ذهن می دهیم، قادر به جویدن مستقل است؟ آیا اصلاً دندان های فکری او قدرت دست و پنجه نرم کردن با چنین موضوعات پیچیده و غامضی - که در واقع خود ما آدم بزرگ ها هم گاهی از هضم آن عاجزیم - را دارند؟ و آیا صلاح است چنین قدرت و قابلیت که تا کنون در اختیار ما بوده به آنان نیز واگذار گردد؟

در این میان برخی از برنامه ریزان و دست اندرکاران، از همان ابتدا ترجیح دادند که به دندان های شیری تفکر کودک اشاره نموده و با دوستی از نوع خاله خرسه خود، کمر به قتل عادت های صحیح فکری کودک بزنند. اینان امیدوار هستند که در بزرگسالی، به ناگاه دندان های فکری قوی و محکم کودک رشد کند و عادت به پخته خواری را کنار بگذارد و به بهترین وجهی (که قبلاً آموزش نظری دیده) شروع به اندیشه و استدلال و داوری نماید. و صد

البته آنها توجه‌هایی نیز برای خود دارند که در بهترین حالت اشاره به ناتوانی کودک بر اساس مرحله رشدی اوست، و به نظر حقیر، در پنهان‌ترین لایه، حفظ اقتدار مستبدانه و سطحی خودشان در کنار کودک می‌باشد.

اما عده‌ای نیز با تردیدهای اولیه، دست به اقدام زدند و از نتایج کار خود شگفت زده شدند. آنان اشتیاق فراوان کودک برای دست و پنجه نرم کردن با چالش‌های مهم زندگی را کشف نمودند، و جالب آنکه این فقط یک شوق نبود، بلکه کودکان نشان دادند که ابزارهای لازم برای این فعالیت را نیز در اختیار دارند و فقط نیاز به فرصت و حمایت و هدایت است.

در وقت نگار واقع بینانه فرزندان ما، چیزی نیستند، بجز ودیعه‌های الهی که ما در برابر رشد و تربیت آنها برای یک زندگی سالم و مستقل اجتماعی مسئول هستیم. مرحوم استاد فلسفی (ره) در نوشته‌های خود به خوبی به این نکته اشاره می‌کند که لازم است برای فرزندان مسلمان به مسئولیت عظیم مذهبی خود در تربیت فرزندان خویش توجه نمایند و بدانند کودکان آنها منت می‌آیند. پدر و مادری که وظیفه خود را به خوبی انجام دهند، ادای امانت نموده، در پیشگاه پروردگار مستقر باشند، آنانی که از وظایف خود سرپیچی می‌کنند، به خویشتن و فرزندان خویش و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، زیان می‌رسانند. و در پیشگاه پروردگار بزرگ مورد مسئولیت و مؤاخذه هستند.

چه رسالتی در تربیت فرزندانمان را بر از خود شرایطی فراهم آوریم تا این موهبت بزرگ الهی و یگانه عامل برتری بشر از سایر مخلوقات، که همانا قدرت تفکر است، از بروز بالنده تر و عقلایی تر گردد؟ و چه ثروتی ماندگار تر از آنکه قدرت قضاوت، داوری و استدلال باشد؟ برای تشخیص مسیر درست زندگی از همان اوان کودکی برای زندگی آینده تقویت نماییم؟ بقول آیت الله العظمی (ره) خردی و بدی، پاکی و ناپاکی، قوت و ضعف ملت فردا را باید در روش تربیت کودکان امروز جستجو کرد. بابت بیگانه‌ی روحی و اخلاقی و کیفیت رفتار و گفتار مردم هر عصری محصول بذرهای تربیتی است که در ایام کودکی در دل آنان افشاندن شده است.

بدین نگاه، اکنون چندین دهه است که برنامه‌ای جامع و مدون تحت عنوان "فلسفه اسلامی کودکان" جهت پرورش عادت‌های تفکر تأملی و انتقادی به شیوه‌ای اشتراکی و ابزارهایی تخصصی در بین کودکان کشور جهان، کودکان را به عادت‌های زیبای استدلال، تأمل، داوری اندیشمندانه، تجربه ایده‌ها، تعاملی جمع‌میل و آزادی و استقلال اندیشه و بیان در یک حلقه کندوکاو دعوت می‌کند. این کتاب تلاشی است در حمایت از آنان که می‌خواهند به کودکان اعتماد کنند و آنها را برای صالح‌ترین عمل در جامعه‌ای پرچالش آماده سازند.